

بررسی منابع تولید احساس خطر شغلی در کشاورزان روستایی شهرستان بهاباد، استان یزد

۱- مسعود نیکسیرت، مدیر مرکز رشد واحدهای فناور تفت، پارک علم و فناوری یزد

m.niksirat@yahoo.com

۲- محمد سلمانی، استادیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

۳- صامت فرهادی، دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران

دریافت: ۱۳۹۰/۱۱/۰۵

پذیرش: ۱۳۹۱/۰۷/۲۱

چکیده

کشاورزی از جمله مشاغلی است که به دلیل ماهیت آن، با مجموعه‌ای از خطرپذیری روبه‌رو است. این پژوهش با هدف واکاوی منابع تولید احساس خطر شغلی کشاورزان روستایی ساکن در بخش مرکزی شهرستان بهاباد واقع در استان یزد انجام شده است. روش به کارگرفته شده در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و از نوع پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش شامل روستاییان شاغل در بخش کشاورزی و ساکن در بخش مرکزی شهرستان بهاباد (۱۱۸۶ بهره‌بردار) است. با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۱۳۴ نفر تعیین و به صورت تصادفی و با ترکیبی از دو روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و نمونه‌گیری در دسترس، نمونه‌ها انتخاب شد. گردآوری داده‌های مورد نیاز از طریق مصاحبه و تکمیل پرسشنامه محقق ساخته صورت گرفت. در تنظیم پرسشنامه سعی شد تا با استفاده از منابع اطلاعاتی و نظرات خبرگان، کشاورزان و کارشناسان کشاورزی منطقه، خطرهای شغلی کشاورزان روستایی شناسایی گردد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر کشاورزان (حدود ۷۴٪) در شغل خود احساس خطر می‌کنند. با استفاده از تحلیل عاملی، منابع تولید احساس خطر شغلی کشاورزان در چهار عامل مخاطرات مالی و اعتباری، مخاطرات اقلیمی، مخاطرات فنی و مدیریتی و مخاطرات ترکیبی خلاصه گردید. این عوامل در مجموع توانست ۷۲/۷٪ از واریانس متغیرها را تبیین نماید. حدود ۲۷/۳٪ از واریانس باقیمانده مربوط به سایر عواملی است که پیش‌بینی آن‌ها در این تحقیق امکان‌پذیر نبوده است. یافته‌های تحقیق بیان‌گر آن است که بیش‌ترین احساس خطر شغلی کشاورزان منطقه مورد مطالعه، ناشی از مخاطرات مالی و اعتباری است. از این‌رو، به‌کارگیری سیاست‌آسان-سازی دادن وام به کشاورزان، تأمین امنیت اقتصادی، ترغیب آن‌ها به عضویت در تشکل‌های همیاری و تعاونی به‌عنوان بخشی از پیشنهادات پژوهش ارائه شده است. اما وجود عوامل چهارگانه به عنوان مخاطرات شغلی کشاورزان روستایی، ماهیت چند بعدی اقدامات مختلف در مدیریت خطرپذیری شغل کشاورزی را نشان داده است که به کارگیری رویکردی سیستمی و همه‌جانبه‌نگر در مدیریت این خطرها را می‌طلبد.

واژگان کلیدی: ریسک؛ خطر شغلی؛ تحلیل عاملی؛ کشاورزان؛ یزد.

مقدمه

پیش‌بینی‌ناپذیر مانند توفان، طغیان رودخانه، آتش‌سوزی و بارندگی، خشکسالی، آفات و امراض، تغییرات آب و هوایی، افت سطح آب سفره‌های زیرزمینی، تغییر کیفیت آب آبیاری، شور و قلیایی شدن خاک‌ها، آلودگی‌های منابع طبیعی، و مانند آن باعث بی‌ثباتی درآمد کشاورزان شده است (Hasan-Shahi, 2006).

وجود این عوامل خطرآفرین از مهم‌ترین چالش‌هایی است که کشاورزان پیوسته از آن رنج می‌برند و موجب زیان فراوان آن‌ها می‌شود (Roosta et al., 2008).

کشاورزی، محور توسعه روستایی (Asayesh, 1995) و از جمله فعالیت‌های اقتصادی همراه با خطر و نبود اطمینان است. کشاورزان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، با مجموعه‌ای از خطرهای اقتصادی و طبیعی مواجه هستند. ناتوانی در پیش‌بینی دقیق قیمت محصولات، قیمت نهاده‌های تولید، میزان برداشت محصول، تأثیرات بازار جهانی، نبود یا ضعف سیستم بیمه، نبود و یا ضعف عملکرد انجمن‌های شغلی، و مانند آن از یک طرف و از طرف دیگر شرایط جوی و اقلیمی

در شهرستان بهاباد، کشاورزی با ویژگی کم سرمایه بر بودن، قدرت آن را دارد که با سرمایه کم تر تعداد شغل بیشتری را ایجاد نماید، ولی جوانان روستایی به فعالیت در این بخش کمتر علاقه نشان می دهند که یکی از علت های آن خطر بالای شغل کشاورزی است. این مسأله باعث شده است که سالانه تعداد بسیاری از جمعیت فعال روستایی به ویژه جوانان برای دستیابی به کار و فعالیت به سوی مناطق شهری رهسپار شوند. ولی واقعیت این است که شمار زیادی از این افراد نتوانسته اند شغل مناسبی را در شهر کسب کنند. بنابراین به طور عمده به شغل هایی وارد می شوند که در ایجاد تورم و رکود اقتصادی مؤثر است (Motiee-Langroudi, 2002).

کشاورزی جدا از نواحی روستایی و روستا نیز تهی از فعالیت های کشاورزی نبوده و این دو لازم و ملزوم هم هستند (Motiee Langroudi & Shamsaee, 2007). ولی با تغییرات فضایی، کالبدی، اقتصادی و همچنین تغییر سبک اجتماعی روستاییان در چند دهه اخیر، به نظر می رسد شغل کشاورزی دستخوش تغییرات زیادی شده و تحت تأثیر عوامل زیادی از جمله خطرهای طبیعی و انسانی قرار گرفته و تأثیر نامطوبی بر رضایت شغلی روستاییان داشته است.

این پژوهش سعی دارد، ضمن واکاوی خطرهای شغلی کشاورزان روستایی، مهم ترین این خطرها را شناسایی نماید و به دنبال پاسخ به این پرسش است که چه ریسک هایی زندگی شغلی کشاورزان روستایی را تهدید می کند؟

پیشینه تحقیق

در بیشتر تحقیقاتی که در ارتباط با خطرپذیری در کشاورزی انجام شده است، مدیریت خطر در بخش کشاورزی، مورد بررسی قرار گرفته است. به عنوان مثال، می توان به پژوهش Turkmani & Abdullahi Ezzat (2001) Abadi (1984) Barry (1984) Roosta et al. (2008) و سایر موارد اشاره کرد. دسته ای دیگر از تحقیقات مرتبط با موضوع، به بررسی رفتار کشاورزان در مواجهه با انواع خطر پرداخته اند. پژوهش های Turkmani Turkmani (1996) Ferdousi & Hasan Shahi (2006) & Kalae (1999)

در واقع وجود خطرهای شغلی فراوان در رابطه با شغل کشاورزی، در بسیاری از مواقع منجر به وارد آمدن ضرر و زیان به کشاورزان و فراهم نشدن نیازهای زندگی آنها شده است. همچنین وجود این خطرها به همراه بسیاری از تغییر و تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فناوری که در روستاهای کشور رخ داده است، باعث پایین آمدن جایگاه و منزلت اجتماعی روستاییان شاغل در بخش کشاورزی شده است. این عامل سبب تقویت احساس بی عدالتی و محرومیت در آنها شده و منجر به تغییر شغل و یا حتی مهاجرت به دلیل عدم رضایت از شغل کشاورزی می شود. این امر باعث بروز مشکلات گوناگونی در جامعه مبدأ و جامعه هدف می شود. از جمله این مشکلات در جامعه هدف، عواملی چون افزایش نیروی کار غیرماهر، ایجاد تنگناهایی در برنامه ریزی برای مسکن، بهداشت، تحصیل و خدمات رفاهی و ... در مهاجران دیده می شود و نتیجه آن زدن برچسب های افراد نامطلوب بر روی مهاجران و درگیری های اجتماعی است (ZareShahAbadi, 2003). همچنین، توجه نکردن به برنامه ریزی به منظور کاهش خطرهای شغلی کشاورزان، می تواند کاهش تولیدات کشاورزی و مشکلات تأمین نیازهای مصرفی جمعیت را در پی داشته (Motiee-Langroudi, 2002) و این مسأله تحقق استقلال اقتصادی کشور را در معرض تهدید قرار دهد (Mahmoudian, 1998).

در مجموع باید خاطر نشان ساخت که کشاورزی به عنوان یکی از محورهای اساسی توسعه مناطق روستایی، نقش مهمی در توسعه اقتصادی این مناطق دارد. اهمیت کشاورزی در توسعه اقتصادی باعث شده است که افزایش تولید و درآمد روستاییان در ایران همواره مورد توجه سیاستمداران قرار داشته باشد (Mohammadian et al., 2004). کم توجهی به این بخش می تواند به ورشکستگی واحدهای بهره برداری کشاورزی، کاهش امنیت غذایی و معیارهای زیست محیطی و افزایش مهاجرت از مناطق روستایی و خالی شدن گستره وسیعی از اراضی و کاهش یا توقف فعالیت اقتصادی منجر شود (Salem & Namazi, 2007).

در توسعه روستایی دارد (Motiee Langroudi & Shamsaei, 2007). اما این فعالیت به منظور ایفای نقش خود در توسعه روستایی با چالش‌ها و مشکلاتی روبرو است. از جمله این که کشاورزی به طور ذاتی، یک فعالیت اقتصادی پر خطر است (Ferdousi & Koupahi, 2005). در این فعالیت انواع خطرهای طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و عمومی دست به دست هم داده و مجموعه شکننده و آسیب‌پذیری برای تولیدکنندگان این بخش فراهم آورده که نتیجه نهایی آن بی ثباتی درآمد آن‌هاست (Turkmani, 2000). این تولیدکنندگان در محیطی همراه با خطر که ناشی از خطرهای تولید (آب و هوا، بیماری‌ها، آفات و غیره)، بازار و قیمت (قیمت محصول و نهاده)، مالی (نرخ بهره) و نهادی (تغییر در قوانین و مقررات دولت در ارتباط با بخش کشاورزی) است، اقدام به تصمیم‌گیری می‌کنند (Roosta et al., 2009). این مسئله در تصمیم‌گیری تولیدکنندگان تأثیر می‌گذارد و نتایج تصمیم‌گیری را با نتایج تصمیم‌گیری در شرایط اطمینان متفاوت می‌سازد (Ehsan et al., 2008). همچنین میزان مصرف نهاده‌ها در شرایط وجود خطر و بدون خطر با یکدیگر فرق دارد. افزون بر این، در معرض هوای آزاد بودن کشاورزی، نیز باعث شده کشاورزی فعالیت‌های زیست‌شناختی و حساس در مقابل دگرگونی‌های طبیعت به‌شمار آید (Rostami et al., 2006). بنابراین می‌توان گفت، رویارویی شاغلین بخش کشاورزی با خطر از ویژگی‌های اصلی شغل آن‌ها است (Turkmani, 2000). از همین رو بهره‌برداران کشاورزی به دلیل مطمئن نبودن از درآمد خود، نگران بازپرداخت وام، پرداخت هزینه‌های ثابت (اجاره زمین و مالیات) و در بسیاری از موارد پرداخت هزینه‌های زندگی هستند. بر همین اساس همواره لزوم به‌کارگیری ابزار دقیق و مؤثر در جهت حمایت و تأمین امنیت اقتصادی جمعیت فعال در بخش کشاورزی و در نتیجه افزایش قدرت تولید و بالا بردن سطح زندگی آنان احساس می‌شود (Ehsan et al., 2008).

کشاورزی بیشتر به عنوان یک فعالیت اقتصادی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در این زمینه، هیزل و نورتن معتقدند که تحلیل‌های اقتصادی بدون توجه به خطر و ابعاد آن باعث کاهش اعتبار مطالعات اقتصادی می‌شود. هارداکر، پندی و پتن نیز معتقدند که در برنامه‌ریزی‌های

(2005) Koupahi و (1978) Dillan & Scandizzo و سایر نمونه‌های مشابه از این دسته‌اند.

نتایج مطالعه (2007) Turkmani & Karami نشان می‌دهد که دسترسی به آب و سرمایه‌دگی محصول مهم‌ترین منبع ایجاد خطر در بین بهره‌برداران مرکبات کار است. همچنین، نتایج حاکی از آن بود که سطح زیرکشت باغ‌ها، دریافت وام سرمایه‌ای و شرکت در کلاس‌های ترویجی دارای رابطه‌ای منفی و معنی‌دار با منبع خطر دسترسی به آب است. در حالی که سطح زیرکشت، پذیرش بیمه محصول در مقابل سرمایه‌دگی، دریافت وام سرمایه‌ای و شرکت در کلاس‌های ترویجی دارای رابطه منفی و معنی‌داری با منبع خطر سرمایه‌دگی محصول بود.

(2006) Rostami et al. با استفاده از مدل تحلیل عاملی به شناسایی و طبقه‌بندی انواع خطرهای کشاورزی پرداخت. نتایج تحلیل عاملی بیان‌گر وجود پنج عامل اصلی خطر در تولید گندم (آفات و بیماری‌ها، عامل اقلیمی و زیست محیطی، عامل نهاده‌ای، عامل نبود امنیت و عامل اعتباری - اقتصادی) در منطقه مورد مطالعه است.

نتایج حاصل از تحقیق (2009) Roosta et al. نشان داد که مهم‌ترین خطرهای تهدیدکننده تولید گندم به ترتیب عبارت از خطرهای طبیعی و اقتصادی بوده و مهم‌ترین راهکارهای به کار گرفته شده برای مقابله با آن‌ها به ترتیب عبارت از راهکارهای فناوری و مالی است. نتایج تحلیل همبستگی نشان داد که بین متغیر توانایی کشاورزان در مدیریت خطر و برخی از متغیرهای مورد مطالعه مانند میزان تحصیلات، نگرش نسبت به خطر، میزان عملکرد در هکتار، سطح زیر کشت گندم، مساحت زمین زراعی، ارزش فروش گندم، مشورت با کارشناسان و متخصصان کشاورزی در سطح ۰.۱٪، و برنامه‌های تلویزیونی در سطح ۰.۵٪ رابطه معنی‌داری وجود دارد.

مبانی نظریه‌ای تحقیق

در دهه‌های اخیر در مورد جایگاه و اهمیت بخش کشاورزی، بحث‌های نظری بسیاری در قلمرو اقتصاد، توسعه و برنامه‌ریزی، مطرح گردیده و صاحب‌نظران امر توسعه معتقدند که پشتوانه و محرک توسعه روستایی، توسعه کشاورزی است و کشاورزی نقش تعیین‌کننده‌ای

می‌گذارد (Roosta et al., 2009). به گمان این سیاست-گزاران و برنامه‌ریزان، کشاورزان از نظر ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی با یکدیگر متفاوت هستند و این تفاوت باعث برخوردهای متفاوت آن‌ها با مسئله خطر می‌شود (Ehsan et al., 2008) و بر این اساس به سه گروه زیر تقسیم می‌شوند:

- خطر گریز؛

- بی تفاوتی نسبت به خطر؛

- خطر پذیر (Ferdousi & Koupahi, 2005).

با توجه به بررسی منابع مختلف در زمینه انواع خطر، خطرهای کشاورزی، کار، کیفیت زندگی، کیفیت زندگی کاری مدل نظری تحقیق به شکل زیر ارائه می‌گردد. خطرهای شغلی کشاورزان به دو دسته خطرهای طبیعی و خطرهای انسانی تقسیم می‌شود. وجود این خطرها رفتار روستاییان کشاورز را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نوع واکنشی که روستاییان کشاورز به این خطرها نشان می‌دهند، نشان‌دهنده رضایت آن‌ها از زندگی شغلی‌شان خواهد بود که میزان این رضایت بیان‌گر کیفیت زندگی کاری روستاییان کشاورز است.^۱

تعاریف عملیاتی

الف) ریسک

ریسک یک واژه فرانسوی است که در فارسی به خطر، ترجمه شده است و به طور کلی، به معنی نا معلوم بودن نتایج حاصل از کار و فعالیتی مشخص در آینده است (Rostami et al., 2006). به تعبیری دیگر، خطر به معنی نا معلوم بودن نتایج حاصل از عمل در آینده است. همچنین، گروهی از کارشناسان خطر را شرایطی از عدم اطمینان می‌دانند که بر عملکرد فرد یا نظام تأثیر می‌گذارد (Roosta et al., 2009). Nigel (1999) خطر را احتمال وقوع یک اتفاق نامعلوم تعریف کرده است. (1999) AbouRizk از خطر به عنوان احتمال رخ دادن خسارت و تأثیری که این خسارت بر یک طرف دارد، یاد کرده است.

کشاورزی خطر بخشی جدایی‌ناپذیر است (Ehsan et al., 2008). منشأ خطر موجود در فعالیت‌های کشاورزی به طور عمده می‌تواند از ناحیه تولید، قیمت و اعتبارات باشد. بر این اساس این خطرها به پنج دسته کلی شامل:

۱) خطرهای تولید؛ ۲) خطرهای قیمت؛ ۳) خطرهای مالی؛ ۴) خطرهای اقتصادی و ۵) خطرهای اجتماعی تقسیم می‌شوند (Rostami, et al, 2006).

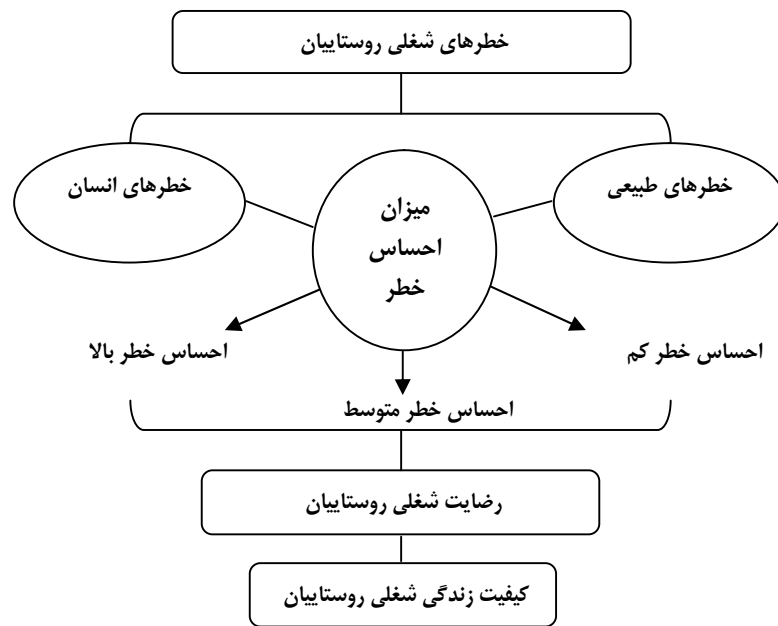
کشاورزی با وجود دارا بودن مزایای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، خطراتی نیز به همراه دارد که بیشتر این خطرات با تأثیر بالقوه‌ای که در تغییرات آب و هوایی دارند، سبب تهدید زندگی ساکنان کره زمین می‌شوند. زیرا فعالیت‌هایی مانند قطع درختان، خلوت شدن جنگل‌ها، باقی‌مانده‌های محصولات سوخته شده و باعث آزاد شدن گازهای گلخانه‌ای می‌شود (Kord Navardi, 2008). به علت عدم امکان کنترل شرایط جوی و آب و هوایی، فعالیت کشاورزی از سایر فعالیت‌های تولیدی خطرآفرین است. در این بخش تولیدی، افزون بر خطرهای طبیعی، خطرهای اجتماعی، اقتصادی و شخصی نیز مجموعه‌ای شکننده را فراروی تولیدکنندگان نهاده است. برای دوری از چنین خطراتی و کاهش اضطراب بهره‌برداران، سعی می‌شود که از طریق تأثیرگذاری بر توزیع احتمالی درآمد مزرعه یا متغیر تصمیم، آثار مخرب خطرهای احتمالی کاهش یابد (Mohammad Ghasemi et al., 2009).

گروهی از پژوهش‌گران معتقدند که آسیب‌پذیری بخش کشاورزی و جوامع روستایی از عوارض زیست محیطی نسبت به جوامع شهری کم‌تر است و فعالیت‌های روستایی هیچ‌گاه به نابودی کامل کشیده نمی‌شود (Rezvani, 2004). ولی باید توجه نمود که این به معنی آسیب‌پذیر نبودن بخش کشاورزی نیست. این فعالیت اقتصادی با خطرهای جدی روبرو بوده که در صورت نداشتن برنامه‌ریزی برای کاهش و یا از بین بردن آن‌ها، تمام ابعاد زندگی روستاییان به ویژه زندگی شغلی آن‌ها با تهدید روبرو می‌شود.

سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان بخش کشاورزی، زمانی که تقاضا برای برنامه‌ها یا اثر بخشی برنامه‌های مربوط به خطر را ارزیابی می‌کنند می‌خواهند بدانند فعالیت‌های انجام شده چگونه بر نگرش کشاورزان نسبت به خطر تأثیر

۱- رضایت شغلی قسمتی از رضایت یک شخص از زندگی است. ماهیت بیرونی شغل بر احساس شغلی تأثیر می‌گذارد و به طور مشابه از آن‌جا که شغل یک قسمت مهم زندگی است، رضایت شغلی بر رضایت کلی فرد از زندگی اثر می‌گذارد (Mansouri, et al, 2008).

برخی دیگر از محققان در یک تعریف جامع تر خطر را به عنوان شرایطی از عدم قطعیت که بر عملکرد فرد یا نظام بهره برداری تأثیر می گذارد به نحوی که در آن هم شانس موفقیت و هم احتمال شکست وجود دارد، تعریف



شکل ۱. چارچوب نظری تحقیق.

برای استفاده عملی از ماده روی آن انجام می دهد و این اعمال نیز به طور متقابل بر انسان اثر می گذارد و او را تغییر می دهد" (Mohseni Tabrizi & Mirzaee, 2004).

روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر با هدف واکاوی خطرهای شغلی کشاورزان روستایی و شناسایی مهم ترین این خطرها انجام شده است. روش به کار گرفته شده در این پژوهش، توصیفی- تحلیلی و از نوع پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را روستاییان شاغل در بخش کشاورزی شهرستان بهاباد با جمعیت ۱۱۸۶ نفر تشکیل می دهد. با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۱۳۴ نفر تعیین شد.

(۱)

$$n = \frac{N(t.s)^2}{N.d^2 + (t.s)^2} = \frac{1186 \times (1.96 \times 33.3)^2}{1186 \times (5.3)^2 + (1.96 \times 33.3)^2} \cong 134$$

نمونه های این پژوهش با ترکیبی از دو روش نمونه گیری خوشه ای و نمونه گیری در دسترس انتخاب شد. پس از تعیین حجم نمونه، روستاهای شهرستان (۸۲ روستا) با توجه به موقعیت جغرافیایی، در سه طبقه روستاهای دشتی (۴۲ روستا)، روستاهای پایکوهی (۲۷

کرده اند (Rostami et al., 2006). به طور کلی کلمه خطر به دو مفهوم نامعلوم بودن نتایج حاصل از کنش (فعل و عمل) مشخص در آینده و همچنین به مفهوم خطر به کار می رود (Ferdousi & Koupahi, 2005).

نکته ای که در بررسی خطر شغلی روستاییان باید مورد توجه قرار گیرد این است که ابتدا سطح این خطرها (پایین، متوسط و بالا) و همچنین احتمال وقوع و پیامدهای آن مورد شناسایی قرار گیرد تا بتوان برای رفع آن تصمیم گیری کرد (Shirovzhan, 2010).

ب) کار و شغل

در قلمرو علوم انسانی، به ویژه در حوزه جامعه شناسی کار و شغل و مکاتب روان شناسی صنعتی، مفهوم کار، طبیعت و ماهیت آن، کارکردها، آثار و نتایج آن، و متغیرهای تأثیرگذار بر آن و نقشی که کار، تولید در حیات اجتماعی انسان ایفا می کند از ابعاد و جهات مختلف مورد تحقیق قرار گرفته است (Mohseni Tabrizi & Mirzaee, 2004). کارل مارکس، کار را اساساً تغییراتی می داند که انسان با استفاده از عقل و فنون در طبیعت به وجود می آورد. او در کتاب سرمایه می نویسد: "کار مجموعه اعمالی است که انسان به کمک مغز، دست، ابزار و ماشین

روستا) و روستاهای کوهستانی (۱۳ روستا) تقسیم شد. برای انتخاب روستاهای نمونه با توجه به توزیع روستاها در هر یک از سه موقعیت جغرافیایی، سهم هر یک از روستاها را در کل روستاها محاسبه و با توجه به سهم هر نوع، درصد و سهم آن نوع در روستاهای نمونه معین گردید. بر این اساس ۵۱٪ از نمونه‌ها (۶۸ نفر) از روستاهای دشتی،

۳۳٪ (۴۴ نفر) از روستاهای پایکوهی و ۱۶٪ (۲۲ نفر) از روستاهای کوهستانی انتخاب شد. در آخر با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، پرسشنامه‌های محقق ساخته بررسی میزان احساس خطر شغلی در بین ۱۳۴ نفر از کشاورزان توزیع شد و با نرخ بازگشت ۹۱٪، ۱۲۲ پرسشنامه تکمیل و جمع‌آوری گردید.

جدول ۱. حجم جامعه و نمونه‌های انتخابی به تفکیک نوع روستاها

نوع روستا	سهم هر نوع در جامعه		سهم هر نوع در نمونه	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
دشتی	۴۲	۵۱/۳	۶۸	۵۱
پایکوهی	۲۷	۳۲/۹	۴۴	۳۳
کوهستانی	۱۳	۱۵/۸	۲۲	۱۶
جمع	۸۲	۱۰۰	۱۳۴	۱۰۰

سؤالات پرسشنامه به‌گونه‌ای ساده طراحی و تا حد ممکن سعی شده است ضمن گردآوری اطلاعات دموگرافیک (ویژگی‌های فردی، زراعی و اقتصادی-اجتماعی کشاورزان)، اطلاعات زیادی در زمینه خطرانی که کشاورزان در هر یک از مراحل کار کشاورزی ممکن است با آن مواجه باشند، جمع‌آوری گردد. مؤلفه‌های مندرج در این پرسشنامه، پس از مرور تجربیات متخصصان داخلی و خارجی، مطالعات کتابخانه‌ای، مشاهده منطقه مورد مطالعه و مصاحبه با خبرگان، صاحب‌نظران اداره جهاد کشاورزی شهرستان و کشاورزان منطقه، تعیین گردید. پرسشنامه مقدماتی بررسی مخاطرات شغلی شامل ۶۷ سؤال بود که در آن گویه‌هایی برای بررسی منابع تولید احساس خطر شغلی گنجانده شده بود. سؤالات در مقیاس پنج طیفی لیکرت تنظیم و به گویه‌ها نمره ۱ تا ۵ اختصاص یافت (نمره ۵ برای احساس خطر شغلی خیلی زیاد و نمره ۱ برای احساس خطر شغلی خیلی کم). در این پرسشنامه، دو دسته از خطرهای انسانی و طبیعی گنجانده شده بود. پس از تنظیم پرسشنامه مقدماتی و انجام ویرایش‌های لازم، به‌منظور انجام بررسی‌های ابتدایی، این پرسشنامه جهت اظهار نظر درباره محتوای سؤالات در اختیار جمعی از متخصصان قرار داده شد. پس از حذف و ویرایش چند سؤال، پرسشنامه مقدماتی با ۵۴ سؤال جهت ۲۰ نفر از روستاییان کشاورز تکمیل شد. سپس به‌منظور برآورد ضریب همسانی درونی سؤال‌ها از آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب ۰/۸۷ به‌دست آمد، حاکی از همسانی درونی بالای سؤالات است. مؤلفه‌ها یا عناصر مندرج در این پرسشنامه در جدول ۲ فهرست شده است.

جدول ۲. شاخص‌های مورد استفاده در بررسی خطرات شغلی کشاورزان روستایی

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها
طبیعی	زلزله- خشکسالی- سرمازدگی- بارندگی‌های بی‌موقع و ناگهانی- جوندگان و جانوران- طوفان شن- افزایش دما و بالا رفتن میزان تبخیر- بیماری‌های مشترک بین انسان و دام- ورود دام به مزرعه- آفات- بیابان‌زایی (حرکت ماسه‌های روان به سمت مزرعه)- سیل- فرسایش بادی و آبی- لغزش
انسانی	برداشت بی‌رویه منابع آب زیرزمینی از سوی معادن- از بین رفتن مشاغل سنتی- شوری خاک- افزایش مصرف کود شیمیایی- نبود دسترسی به کودهای شیمیایی و حیوانی- دسترسی نداشتن به موقع به نیروی کار- پیوند ضعیف دانش سنتی و دانش نوین- کمبود تجهیزات و تأسیسات مناسب- تحریم اقتصادی- بی‌ثباتی قیمت‌ها- رواج روحیه مصرف‌گرایی- کمبود سرمایه- پوشش ضعیف بیمه محصولات- سطح پایین ایمنی- تخریب مراکز- عدم تنوع شغلی- بیکاری فصلی- عدم عرضه به‌موقع نهاده‌ها- در معرض هوای باز بودن- آتش‌سوزی- انزوای جغرافیایی و عدم دسترسی به راه مناسب در بعضی روستاها- آلودگی و شیوع بیماری‌های دامی- مدیریت سنتی و عدم اعمال مدیریت فنی- تغییر الگوی کشت- نگرش بد روستاییان نسبت به مسئولین- تغییرات در سیاست‌ها و قوانین- فرسودگی ابزار و ماشین‌آلات- ضعف روحیه مشارکت- عدم توان رقابت در تولید- مهاجرت و کاهش جمعیت- بهره‌وری پایین- کوچک بودن واحدهای بهره‌برداری- بالا بودن میانگین سنی بهره‌برداران- کم‌سواد بودن بهره‌برداران- سرقت ادوات و یا محصولات- درخواست وثیقه بالای وام‌ها- فاصله زمانی کوتاه بین دریافت و بازپرداخت وام- نرخ بالای بهره وام‌ها- درگیری‌های فامیلی

ملی مقابله با بیابان‌زایی و کاهش اثرات خشکسالی (NAP) و طرح منارید اشاره کرد.

یافته‌های توصیفی

جدول ۳ یافته‌های توصیفی تحقیق را نشان می‌دهد. پیر بودن جامعه مورد مطالعه و نبود تمایل جمعیت جوان به فعالیت در بخش کشاورزی سابقه بالای آن‌ها در شغل کشاورزی از نکات مهم است. میانگین کل زمین کشاورزان هر روستایی ۱۴ هکتار است و بیشترین فراوانی مربوط به کشاورزانی است که بین ۱۰ تا ۱۵ هکتار زمین دارند. در این منطقه، زمین عامل محدود کننده کشاورزی نبوده و در بیشتر مواقع کمبود آب بر میزان تولید کشاورزان تأثیر می‌گذارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میانگین درآمد سالانه کشاورزان حدود ۳۵۰۰۰۰۰۰ ریال است و تنها حدود ۳۳/۴٪ از کشاورزان دارای درآمد غیر کشاورزی هستند. میانگین درآمد این گروه از کشاورزان حدود ۶۷۵۰۰۰۰۰ ریال برآورد شده است. یافته‌های حاصل از پرسشنامه همچنین نشان می‌دهد که میانگین هزینه کشاورزی برای بهره‌برداران حدود ۷۶۰۰۰۰۰ ریال است. بر اساس اطلاعات به دست آمده، بیشتر کشاورزان (حدود ۷۴٪) در کشاورزی امنیت شغلی نداشته و در آن احساس خطر می‌کنند. نکته قابل توجه در مورد این گروه از کشاورزان این است که حدود ۶۳٪ از آن‌ها به نوعی، از نظر مالی بدهکار هستند.

یافته‌های تحلیلی

جدول ۴ نشان می‌دهد که بین وضعیت تأهل فرد با میزان احساس خطر شغلی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین شرکت در کلاس‌های ترویجی برگزار شده به وسیله جهاد کشاورزی و تحت پوشش بیمه بودن کشاورز با میزان احساس خطر شغلی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. این امر به این معنی است که شرکت کشاورزان در کلاس‌های آموزشی و ترویجی و همچنین بیمه بودن اراضی آن‌ها باعث کاهش میزان احساس خطر شغلی می‌شود.

جهت تحلیل یافته‌ها از آمار توصیفی نظیر میانگین، فراوانی نسبی و مطلق و آمار تحلیلی شامل آزمون کای اسکوئر، تحلیل همبستگی (اسپیرمن و پیرسون) و در نهایت با هدف پیدا کردن مؤلفه‌های (خطرهای شغلی) مکنون و خلاصه کردن این مؤلفه‌ها در تعداد محدودی از عامل‌ها از آزمون تحلیل عاملی استفاده شده است. در واقع، با انجام تحلیل عاملی بر روی خطرهای شغلی کشاورزان، محقق در پی شناسایی مهم‌ترین خطرهای شغلی کشاورزان روستاهای مورد مطالعه است. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS V.11.5 استفاده شد.

معرفی منطقه مورد مطالعه

شهرستان بهاباد، به عنوان یکی از شهرستان‌های تازه تأسیس استان با وسعت جغرافیایی حدود ۶۹۶۳ کیلومترمربع در قسمت جنوب شرقی استان یزد و در فاصله ۱۸۰ کیلومتری مرکز استان قرار دارد. بر اساس اطلاعات سرشماری مرکز آمار ایران، جمعیت این شهرستان در سال ۱۳۸۵ حدود ۱۴۵۷۷ نفر است. شهرستان بهاباد دارای دو بخش مرکزی و آسفیج و سه دهستان (جلگه، آسفیج و بنستان) است. حدود ۴۹ درصد از محدوده مطالعاتی را بیابان در بر می‌گیرد. روستاهای منطقه با خطر بیابان‌زایی روبرو بوده و بروز خشکسالی‌های پی در پی، چرای بی رویه دام و توسعه صنایع و معادن (به ویژه معدن چادرملو) بر این امر دامن زده است. منابع آب منطقه، شامل منابع آب زیرزمینی می‌شود و شیوه بهره‌برداری از این منابع، از طریق حفر چاه است. مساحت زمین‌های کشاورزی شهرستان، ۴۰۳۶ هکتار است و تعداد بهره‌برداران از این زمین‌ها، ۳۴۴۴ بهره‌بردار است. همچنین در این شهرستان ۷۰۰۰۰ رأس دام وجود دارد و ۲۲۸۵ بهره‌بردار دامی به فعالیت دامداری و دامپروری مشغول هستند (Jihad Agriculture Office of Bahabad County, 2009).

شغل بیشتر روستاییان شهرستان بهاباد کشاورزی و دامداری است. همچنین تعداد اندکی از روستاییان، در بخش صنایع و تعدادی دیگر در معادن فعال واقع در نواحی مجاور مشغول به فعالیت هستند.

این شهرستان هدف چند طرح ملی و بین‌المللی است که می‌توان به طرح کاهش تصدی‌گری دولت، طرح اقدام

جدول ۳. ویژگی‌های عمومی روستاییان

ویژگی	طبقات		فراوانی
	تعداد	درصد	
جنس	مرد	۹۱	۷۴/۵
	زن	۳۱	۲۵/۵
سن	کمتر از ۴۰ سال	۲۲	۱۸
	۴۰ تا ۶۰ سال	۵۸	۴۷/۵
	بالای ۶۰ سال	۴۲	۳۴/۵
وضعیت تأهل	مجرد	۱۲	۱۰
	متاهل	۷۹	۶۴/۵
	بدون همسر (فوت و یا طلاق)	۳۱	۲۵/۵
تعداد فرزند	۰	۱۹	۱۵/۵
	۱	۱۳	۱۰/۷
	۲	۷	۵/۸
	۳	۲۹	۲۳/۸
	۴	۲۳	۱۸/۸
تحصیلات	بیش از ۴	۳۱	۲۵/۴
	زیر دیپلم	۹۲	۷۵/۵
	دیپلم	۱۸	۱۴/۷
	فوق دیپلم	۱۲	۹/۸
سابقه کار	کارشناسی و بالاتر	۰	۰
	کمتر از ۵ سال	۱۴	۱۱/۴
	۵-۱۰ سال	۲۳	۱۸/۸
	۱۰-۱۵ سال	۲۷	۲۲/۱
	۱۵-۲۰ سال	۲۶	۲۱/۴
	بیش از ۲۰ سال	۳۲	۲۶/۳

جدول ۴. تعیین رابطه بین متغیرهای اسمی و متغیر احساس خطر شغلی

متغیرهای مستقل	متغیر وابسته	آزمون کای اسکور		آزمون V کرامر	
		p	آماره	p	آماره
تأهل		۰/۰۱۶	۱۴۶/۳۴*	۰/۰۱۶	۰/۵۱۶*
جنسیت		۰/۳۴۲	۱۲۸/۶۶	۰/۳۴۲	۰/۵۱۳
عضویت و مشارکت در تشکل‌ها	احساس	۰/۴۱۲	۱۲۶/۴۵	۰/۴۱۲	۰/۵۰۸
شرکت در کلاس‌های ترویجی	مخاطره شغلی	۰/۰۰۶	-۱۸۲/۷۲**	۰/۰۰۶	۰/۷۱۲**
تحت پوشش بیمه قرار داشتن		۰/۰۲۳	-۱۶۳/۱۲*	۰/۰۲۳	۰/۶۹۸*

** معنی‌دار در سطح ۱٪

* معنی‌دار در سطح ۵٪

۲) سطح تحصیلات کشاورزان با درجه احساس خطر در سطح ۰/۹۵ رابطه مثبت و معنی‌داری دارد؛ این به این مفهوم است که افراد با سطح تحصیلات بالاتر بیشتر در شغل خود احساس خطر می‌کنند. با توجه به این که بیشتر کشاورزان تحصیل کرده از گروه جوان و میان‌سال هستند؛ شاید بتوان علت این وضعیت را سطح توقع بالاتر و تجربه

یافته‌های به دست آمده از تحلیل همبستگی بین ویژگی‌های فردی و اقتصادی- اجتماعی کشاورزان با میزان احساس خطر شغلی (جدول ۵) بیان‌گر آن است که: ۱) بین سن کشاورزان و درجه احساس خطر شغلی رابطه منفی و معنی‌داری در سطح ۰/۹۵ وجود دارد؛ یعنی کشاورزان جوان‌تر نسبت به کشاورزان مسن بیشتر در شغل خود احساس خطر می‌کنند.

می‌شود. زیرا بین داشتن شغل فرعی و درجه احساس خطر رابطه منفی و معنی‌داری در سطح ۰/۹۹ وجود دارد. (۵) کشاورزانی که اراضی بیشتری را تحت پوشش بیمه قرار داده‌اند، کمتر در شغل کشاورزی احساس خطر می‌کنند. بین میزان اراضی بیمه شده و درجه احساس خطر شغلی رابطه منفی و معنی‌داری در سطح ۰/۹۹ وجود دارد.

کمتر افراد تحصیل کرده نسبت به سایر کشاورزان جستجو کرد. (۳) بین میزان درآمد کشاورزان با درجه احساس خطر در سطح ۰/۹۹ رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر، کشاورزانی که درآمد بیشتری دارند، کمتر در شغل خود احساس خطر می‌کنند. (۴) اشتغال به شغلی دیگر در کنار کشاورزی باعث کاهش احساس خطر در کشاورزان روستاهای شهرستان بهاباد

جدول ۵. بررسی ارتباط بین متغیرهای فردی و اقتصادی - اجتماعی کشاورزان با میزان احساس خطر شغلی آن‌ها

ردیف	متغیر	نوع مقیاس	ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری (p)
۱	جنسیت	اسمی	۰/۱۷۸	۰/۰۸۲
۲	سن	نسبی	-۰/۱۳۲	۰/۰۳۴*
۳	تأهل	اسمی	۰/۰۷۸	۰/۳۶۵
۴	تحصیلات	ترتیبی	۰/۱۹۷	۰/۰۱۲*
۵	میزان مالکیت اراضی	فاصله‌ای	-۰/۱۱۸	۰/۱۰۶
۶	سطح درآمد	فاصله‌ای	-۰/۲۱۶	۰/۰۰۱**
۷	داشتن شغل فرعی	اسمی	-۰/۲۰۷	۰/۰۰۰**
۸	وضعیت بیمه اراضی	نسبی	-۰/۲۴۴	۰/۰۰۶**

* معنی‌داری در سطح ۰/۹۵ ** معنی‌داری در سطح ۰/۹۹

تذکر: همبستگی بین متغیرهای پارامتریک با روش پیرسون و متغیرهای ناپارامتریک با روش اسپیرمن انجام شد.

عامل‌ها به روش واریماکس^۳ چرخش یافته و با استفاده از معیار ویژه، چهار عامل به‌عنوان مبنای تحلیل همراه با مقدار ویژه هر یک از آن‌ها، درصد واریانس هر یک از عوامل و فراوانی تجمعی درصد واریانس عوامل استخراج شد (جدول ۶). در این مطالعه، عامل‌هایی که دارای مقدار ویژه کمتر از یک بودند، از تحلیل خارج گردید.

جدول ۶. عوامل دوران‌یافته

فهرست عوامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
عامل اول	۱۹/۰۵۶	۳۹/۸۶۷	۳۹/۸۶۷
عامل دوم	۷/۲۳۷	۱۷/۶۷۵	۵۷/۵۴۲
عامل سوم	۳/۸۲۴	۸/۰۵۳	۶۵/۵۹۵
عامل چهارم	۳/۲۶۰	۷/۱۰۶	۷۲/۷۰۱

نام‌گذاری عامل‌ها

عامل اول: خطرهای مالی و اعتباری

این عامل با مقدار ویژه ۱۹/۰۵۶ به‌تنهایی ۳۹/۸۶۷

منابع تولید احساس خطر شغلی

همان‌گونه که در روش‌شناسی تحقیق مطرح شد، به‌منظور دستیابی به اصلی‌ترین منابع تولید احساس خطر شغلی کشاورزان از روش تحلیل عاملی استفاده شد. در ابتدا برای اطمینان از صحت کاربرد این روش مقدار KMO^۱، ۰/۷۱ به‌دست آمد که این مقدار از نظر تحلیل عاملی، قابل قبول و نزدیک به متوسط است. همچنین آزمون بارتلت^۲ با سطح معنی‌داری قابل قبول ($\text{sig} < ۰/۰۱$) مناسب بودن مؤلفه‌ها برای اجرای تحلیل عاملی را نشان می‌دهد. چون شاخص‌ها و متغیرهایی که دارای ارتباط درونی هستند، ترجیح می‌دهند که با یکدیگر حول یک محور یا عامل جمع شوند، بنابراین، عامل‌ها از طریق تجمیع و میزان ارتباط مثبت و منفی ساخته می‌شوند (Mahdavi, & Taherkhani, 2004). در این پژوهش

1- Kaiser-Meyer-Olkin
2- Bartlett's Test

تأثیرگذار در این عامل، به همراه ضریب همبستگی هر یک در جدول ۹ نشان داده شده است.

جدول ۹. مؤلفه‌های عامل سوم (خطرهای فنی-مدیریتی)

ردیف	مؤلفه‌ها	همبستگی
۱	کمبود تجهیزات و تأسیسات مناسب	٪۹۳
۲	مدیریت سنتی و عدم اعمال مدیریت فنی	٪۹۷
۳	پیوند ضعیف دانش سنتی و دانش نوین	٪۷۶
۴	تغییر الگوی کشت	٪۶۴
۵	نگرش بد روستاییان نسبت به مسئولین	٪۸۸
۶	کوچک بودن واحدهای بهره برداری	٪۹۷
۷	بالا بودن میانگین سنی بهره‌برداران	٪۶۸
۸	کم سواد بهره‌برداران	٪۹۳
۹	افزایش مصرف کود شیمیایی	٪۹۴

عامل چهارم: خطرهای ترکیبی

چهارمین عامل با مقدار ویژه ۳/۲۶۰ توانسته است ۷/۱۲٪ واریانس کل را تبیین کند. جدول ۱۰، مؤلفه‌های تأثیرگذار در این عامل را نشان می‌دهد. دلیل نامگذاری این عامل به خطرهای ترکیبی، مؤثر بودن مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها در احساس خطر شغلی کشاورزان روستایی است.

جدول ۱۰. مؤلفه‌های عامل چهارم

ردیف	مؤلفه‌ها	همبستگی
۱	بیابانزایی	٪۹۸
۲	افت سطح آب‌های زیرزمینی	٪۹۷
۳	نگرش بد روستاییان نسبت به مسئولین	٪۸۵
۴	رواج روحیه مصرف‌گرایی	٪۷۹
۵	کاهش حاصلخیزی خاک	٪۷۴

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

کشاورزان، به ویژه کشاورزان ساکن در روستاهای واقع در مناطق خشک و نیمه خشک با مجموعه‌ای از خطرهای شغلی روبرو هستند. آسیب‌های ناشی از این خطرها، در برخی مواقع باعث فرار روستاییان و رفتن به شهرها و روی آوردن به شغل‌های کاذب به جای تولیدکنندگی شده است. در این پژوهش، نخست میزان احساس خطر شغلی کشاورزان روستایی بخش مرکزی شهرستان بهاباد بررسی و سپس منابع تولید احساس خطر شغلی در آن‌ها شناسایی شد. بر اساس اطلاعات به‌دست آمده، بیشتر کشاورزان روستایی بخش مرکزی، در کشاورزی امنیت شغلی نداشته و در آن احساس خطر می‌کنند. کشاورزان

درصد از واریانس متغیرها را تبیین می‌کند و بیشترین سهم را در بین عوامل چهارگانه دارد. در این عامل ۱۱ مؤلفه مرتبط با مسائل اقتصادی، مالی و اعتباری که در احساس خطر شغلی کشاورزان روستایی تأثیرگذار هستند، قرار گرفته است (جدول ۷).

جدول ۷. مؤلفه‌های عامل اول

ردیف	مؤلفه‌ها	همبستگی
۱	تحریم اقتصادی	٪۶۲
۲	عدم ثبات قیمت‌ها	٪۸۹
۳	کمبود سرمایه	٪۹۷
۴	عدم تنوع شغلی	٪۹۶
۵	بیکاری فصلی	٪۸۶
۶	انزوای جغرافیایی و نداشتن دسترسی به راه مناسب در بعضی روستاها	٪۹۸
۷	بهره‌وری پایین	٪۹۱
۸	درخواست وثیقه بالای وام‌ها	٪۹۴
۹	هزینه بالای نهاده‌ها	٪۹۷
۱۰	نرخ بالای بهره وام‌ها	٪۹۲
۱۱	فاصله زمانی کوتاه بین دریافت و بازپرداخت وام	٪۸۵

عامل دوم: خطرهای اقلیمی

یکی دیگر از منابع تولید احساس خطر شغلی کشاورزان روستایی بخش مرکزی شهرستان بهاباد، عناصر آب و هوایی و اقلیمی است. این عامل با مقدار ویژه ۷/۲۳۷ تبیین‌کننده ۱۷/۶۷٪ واریانس کل است. در این عامل پنج مؤلفه اقلیمی تأثیرگذار هستند (جدول ۸).

جدول ۸. مؤلفه‌های عامل دوم (خطرهای اقلیمی)

ردیف	مؤلفه‌ها	همبستگی
۱	سرمازدگی	٪۹۴
۲	خشکسالی	٪۹۸
۳	طوفان شن	٪۶۸
۴	افزایش دما و بالا رفتن میزان تبخیر	٪۸۴
۵	بارندگی‌های بی‌موقع و ناگهانی	٪۶۳

عامل سوم: خطرهای فنی-مدیریتی

بخش دیگری از احساس خطر شغلی کشاورزان روستایی ناشی از کمبود تجهیزات، ضعف دانش، ضعف مدیریت است. از این رو این عامل با عنوان خطرهای فنی-مدیریتی نام‌گذاری شده است. مقدار ویژه این عامل ۳/۸۲۴ بوده که ۸/۰۵٪ واریانس کل را تبیین می‌کند. مؤلفه‌های

منجر به خلاصه شدن ۴۴ مؤلفه تأثیرگذار بر احساس خطر شغلی کشاورزان در چهار عامل خطرهای مالی و اعتباری، اقلیمی، فنی و مدیریتی و ترکیبی شد. در بین این عوامل، عامل خطرهای مالی و اعتباری بیشترین سهم از واریانس عوامل را نشان می‌دهد؛ که با نتایج تحقیق Roosta et al. (2009) که مهم‌ترین خطرهای تهدید کننده تولید گندم را خطرهای طبیعی و اقتصادی دانسته، هم‌خوانی دارد. با این تفاوت که در این پژوهش، سهم خطرهای مالی و اعتباری بیش از خطرهای طبیعی است. همچنین Turkmani & Karami, (2007) نیز خطرهای طبیعی (دسترسی به آب و سرمازدگی) را به‌عنوان مهم‌ترین خطرهای شغلی کشاورزان برشمرده است. طبقه‌بندی به دست آمده از عوامل مؤثر بر احساس خطر شغلی کشاورزان با نتایج تحقیق Rostami et al. (2006) که به پنج عامل عمده خطر در تولید گندم (آفات و بیماری‌ها، عامل اقلیمی و زیست محیطی، عامل نهاده‌ای، عامل نبود امنیت و عامل اعتباری- اقتصادی) اشاره داشته؛ تا حدود زیادی مطابقت دارد. چهار عامل استخراج شده از تحلیل عاملی به عنوان خطرهای شغلی کشاورزان ماهیت چند بعدی اقدامات مختلف در مدیریت خطر شغل کشاورزی را نشان می‌دهد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود در آماده-سازی مدیریت خطر شغل کشاورزی با رویکردی همه‌جانبه‌نگر و سیستمی، همه این جوانب با هم در نظر گرفته شود و نهاده‌ها، خدمات حمایتی (از قبیل آموزش، ارائه تسهیلات بانکی، بازدید از باغ‌ها و مزارع و مانند آن)، خدمات انگیزشی و اقدامات پیشگیرانه برای پیاده‌سازی همه‌جانبه مدیریت خطر شغل کشاورزی فراهم شود.

سایر پیشنهادها

به‌منظور مدیریت خطر شغل کشاورزی در منطقه مورد مطالعه، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد.

۱) به‌کارگیری سیاست آسان‌سازی اعطای وام به کشاورزان

یکی از ابزار اصلی برای جبران خسارت ناشی از خطرهای شغلی کشاورزان روستایی، استفاده از تسهیلات و وام بانکی است. مشکلی که در این زمینه وجود دارد، در اختیار نداشتن وثیقه و ضامن برای اخذ وام از بانک‌ها

جوان‌تر نسبت به کشاورزان مسن، بیشتر در شغل خود احساس خطر می‌کنند. این در حالی است که بیشتر کشاورزان تحصیل کرده از گروه جوان و میان‌سال هستند و به نظر می‌بایست احساس خطر شغلی کمتری داشته باشند. شاید بتوان دلیل وجود این وضعیت را سطح توقع بالاتر و تجربه کمتر افراد تحصیل کرده نسبت به سایر کشاورزان جستجو کرد. با توجه به میانگین سنی بالای کشاورزان منطقه (۵۱ سال) و همچنین تجربه بالای بیشتر کشاورزان (حدود ۷۰٪ بیش از ۲۰ سال سابقه کار در شغل کشاورزی دارند) به جرأت می‌توان گفت که احساس خطر شغلی با میزان تجربه کشاورزان رابطه منفی دارد. یعنی هرچه سابقه فرد در شغل کشاورزی بیشتر باشد، به همان میزان توانایی او برای مبارزه با خطرهای احتمالی نیز بالاتر است. نتایج نشان داد که کشاورزانی که درآمد بیشتری دارند کمتر در شغل خود احساس خطر می‌کنند. بنابراین می‌بایست با برنامه‌ریزی درست در کشاورزی این منطقه، زمینه‌ی افزایش درآمد کشاورزان را به وجود آورد تا از این طریق ضمن کم کردن احساس خطر شغلی آن‌ها، شرایط لازم برای ماندگاری روستاییان در روستاها فراهم شود. یکی از سیاست‌های مناسب برای این منظور، تنوع بخشی به اقتصاد روستاها است. همان‌گونه که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، داشتن شغل فرعی در کنار کشاورزی سبب کاهش احساس خطر در کشاورزان روستاهای شهرستان بهاباد شده است. سیاست دیگر در این زمینه تحت پوشش بیمه درآوردن دارایی کشاورزان (اراضی، محصولات، واحدهای دامداری) است. زیرا یافته‌های تحقیق به خوبی نشان می‌دهد که کشاورزانی که اراضی بیشتری را تحت پوشش بیمه درآورده‌اند، کمتر در شغل کشاورزی خود احساس خطر می‌کنند.

همان‌گونه که اشاره شد، این پژوهش به شناسایی و روشن‌سازی منابع تولید احساس خطر شغلی کشاورزان روستایی می‌پردازد. با توجه به این‌که اولین گام در راه مطالعه منابع تولید احساس خطر شغلی کشاورزان آشکارسازی این خطرها از طریق انتخاب متغیرهای مناسب و تبدیل آن‌ها به شاخص است؛ بنابراین در این پژوهش از تحلیل عاملی برای تبیین خطرات شغلی کشاورزان روستایی استفاده شد. به‌کارگیری این روش

۵) ایجاد پایگاه اطلاعات

این پایگاه می‌بایست در برگیرنده داده‌ها و اطلاعاتی در مورد انواع خطرهایی باشد که کشاورزان منطقه با آن روبرو هستند. تجهیز این پایگاه به امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و همچنین ارتباط آن با رسانه‌های عمومی از جمله رادیو و تلویزیون، می‌تواند آگاهی کشاورزان از خطرهای کشاورزی و آمادگی آن‌ها برای مقابله با این خطرها را افزایش دهد.

افزون بر موارد اشاره شده، پیشنهادات زیر را نیز می‌توان مورد توجه قرار داد:

تشویق کشاورزان به برقراری ارتباط مستمر با مراکز تحقیقات و اجرایی، آموزش نحوه استفاده مناسب و به موقع از سموم دفع آفات، تشویق کشاورزان به استفاده از ارقام گیاهی مناسب و با کیفیت، آموزش اصول فنی کشاورزی نوین، تشویق کشاورزان به استفاده از روش‌های کم کردن هزینه تولید (آبیاری تحت فشار، مبارزه با علف‌های هرز، مکانیزه کردن کشاورزی).

References

- Asayesh, H. (1995). The principles and methods of rural planning. Tehran, Payam Noor University, (in Farsi).
- Barry, P. J. (1984). Risk management in agriculture. Iowa State University Press.
- Dillon, J. L., & Scandizzo, P. L. (1978). Risk attitudes of subsistence farmers in northeast Brazil: A sampling approach. *American Journal Agriculture Economics*, 60, 425-35.
- Ehsan, A. R., Tehrani, R., & Eslami Bidgoli, Gh. (2008). The evaluation of the escape from risk ratio and production variance in risk management (Case study: The tomato growers of Dezful). *Journal of Agricultural Economics and Development*, 6, 17-35, (in Farsi).
- Ferdowsi, R., & Koupahy, M. (2005). The determination of tendency for farmers to risk (Case study: Golestan province). *Journal of Agricultural Economics and Development*, 52, 27-43, (in Farsi).
- Hasan Shahi, M. (2006). The crop decision making under risk (Case study: Arsanjan county). *Journal of Agricultural Economics and Development*, 54, 161-178, (in Farsi).

است. برای رفع این مشکل پیشنهاد می‌شود، تا بانک‌ها از سایر تعهدنامه‌های معتبر روستاییان از قبیل سند املاک و سرمایه‌ها و یا رایانه‌های سرپرست خانوارها برای ارائه وام به کشاورزان استفاده کنند.

۲) فرهنگ‌سازی و فراهم نمودن زمینه بیمه محصولات کشاورزی

یکی از مؤثرترین راهکارهای کاهش احساس خطر شغلی در کشاورزان، بیمه نمودن محصولات آن‌ها است. با این وجود، مشخص گردید که کشش تقاضای بیمه در بین کشاورزان منطقه مورد مطالعه به علت بالا بودن متوسط سن کشاورزان و پایین بودن میزان تحصیلات آن‌ها، پایین است. برگزاری کلاس‌های آموزشی جهت فرهنگ‌سازی، آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی به کشاورزان نسبت به مزایای بیمه ضروری است.

۳) تشویق کشاورزان به عضویت در تشکل‌های همیاری و تعاونی

با توجه به این که بیشتر کشاورزان بهاباد دارای سطح زیر کشت زیر ۷ هکتار هستند، باید آن‌ها را به عضویت در تشکل‌هایی چون تعاونی‌های کشاورزان تشویق نمود تا از این طریق از حالت خرده مالکی خارج و مشکل کمبود نقدینگی آن‌ها تا حدی برطرف گردد.

۴) تأمین امنیت اقتصادی کشاورزان

مواجهه کشاورزان بهاباد با خطرهای شغلی سبب بی‌اطمینانی آن‌ها به درآمد خود و نگرانی از بازپرداخت وام‌ها، هزینه‌های ثابت و حتی هزینه‌های زندگی شده است. به همین دلیل لزوم به‌کارگیری ابزار دقیق و مؤثر در جهت حمایت و تأمین امنیت اقتصادی این کشاورزان و در نتیجه افزایش قدرت تولید و بالا بردن سطح زندگی آنان احساس می‌شود. مشاغل جنبی از قبیل صنایع دستی، فرآوری مواد لبنی، فعالیت در زمینه کشت گیاهان دارویی، تولید محصولات با ارزش افزوده بالا (مانند زعفران که در این منطقه شرایط کشت آن مساعد است) با هدف ایجاد تنوع در مشاغل روستایی و درآمدزایی بیشتر برای کشاورزان، باعث بالا رفتن امنیت اقتصادی آن‌ها می‌گردد.

- Jihad Agriculture Office of Bahabad. (2009). Department of Agriculture and trap, (in Farsi).
- Kord navardy, S. (2008). Agricultural insurance - challenges of ahead. *Journal of The Insured Events*, 119 & 120, 57-60, (in Farsi).
- Mahdavi, M., & Taherkhani, M. (2004). Applied statistical analysis in geographical researches. Tehran: Qomes
- Mahmoudian, M. (1998). The resolution chairmen of schools of agriculture, Shahid Chamran University, Ahvaz, (in Farsi).
- Mohammad-Ghasemi, M., Kouhkan, Sh. A., & Goli Mahmoudi, H. (2009). The evaluation of compensation from insurance fund for agricultural products farmers in the region of Sistan. *Journal of Rural Development*, 4, 39-48, (in Farsi).
- Mohammadian, M., Chizari, A. H., & Mortazavi, A. (2004). The effect of rice price risk in the stock of goods on the optimal cultivation pattern, (Case study: Gonbad Minoodasht Golestan province). *Journal of Agricultural Economics and Development*, 49, 169-194, (in Farsi).
- Mohseni Tabrizi, A., & Mirzaee, M. (2004). The assessment of motivation to work and its determinants (Case study: Youth and women in rural villages in East Azerbaijan province). *Iranian Journal of Sociology*, 5 (4), 3 – 31, (in Farsi).
- Motiee Langroudi, S. H., & Shamsaei, E. (2007). The rural development based on continuation and sustainability of agriculture, (Case study: Sojasrood district in Zanjan). *Journal of Geographical Research*, 85, 85-104, (in Farsi).
- Motiee Langroudi, S. H. (2002). Economic geography of Iran (Agriculture), Tehran, published by Jihad, (in Farsi).
- Rezvani, M. (2004). The introduction to planning of rural development in Iran, Tehran, Qomes Publications, (in Farsi).
- Roosta, C., Frjallh Hosseini, S. J., Chizari, M., & Hosseini, S. M. (2008). The extension of effective mechanisms in risk management of wheat production in Khorasan Razavi province. *Journal of Agricultural Sciences and Natural Resources*, 68, 9-52, (in Farsi).
- Roosta, C., Frjallh Hosseini, S. J., & Hosseini, S. M. (2009). The study in factors of affecting the farmers' ability to risk management (Case Study: Wheat farmers in Khorasan). *Journal of Research of Economics and Agricultural Development*, 3, 127-141, (in Farsi).
- Rostami, F., Shabanali Fami, H., Movahed-Mohammadi, H., & Iravani, H. (2006). Risk management of wheat production in the family operating system (Case study: Harsin county). *Iranian Journal of Agricultural Sciences*, 37(2), 93-106, (in Farsi).
- Salem, J., & Namazi, A. (2007). The role of agriculture in economic development Yazd. *Journal of Rural Development*, 37, 23-40, (in Farsi).
- Shirovzhan, M. (2010). The risk management in ports using information and communication technology. *Journal of Transport Technology*, 14, 53-59, (in Farsi).
- Turkmani, J., & Abdullahi-Ezzat-Abadi, M. (2001). Effects of socio-economics' factors on decision making in situations with risk. *Journal of Economical-Social Agricultural - Rural*, 33, 27, (in Farsi).
- Turkmani, J., & Kalaei, A. (1999). The effect of risk on the optimal pattern of agricultural exploiters: Compared with risk Motad planning methods (MOTAD) and Motad Target (TARGET-MOTAD). *Journal of Agricultural Economic and Development*, 25, 7-28, (in Farsi).
- Turkmani, J. (2000). The comparison and evaluation of methods for determining the tendency of farmers to agricultural risk, (Case study: Storage units and dairy cattle). *Journal of Agricultural Economic and Development*, 31, 31, (in Farsi).

Explain the sources of create feeling of occupational hazard in the rural farmers (Case study: Rural farmers in Bahabad, Yazd)

1-M. Niksirat, Director of Taft Technology Incubator, Yazd Science & Technology Park
m.niksirat@yahoo.com.

2-M. Salmani, Assistant Professor, Faculty of Geography, University of Tehran

3-S. Farhadi, MSc. in Rural Geography and Planning, University of Tehran

Received: 25 Jan 2012

Accepted: 12 Oct 2012

Abstract

Agriculture is an occupation which because of its nature, is confronted with a set of hazards. This study was conducted to analyze sources sense of job's risk in the central district of Bahabad County in Yazd province. The Method of the research is descriptive-analytical on the base of survey. The Statistic Society of research is 1186 farmer that is employed in agriculture. Using Cochran's formula Cochran formula, the sample size of 134 persons was estimated that randomly and with combination of both cluster sampling and accessibility sampling were selected the required. Data was collected through interview and a questionnaire. The opinions of experts, farmers and local agricultural experts were provided by questionnaire. Results indicated that most farmers (about 74 percent) feel their jobs are at risk. Using factor analysis of sources of job alarmed farmers in the four factors was summarized. These include: financial and credit risks, climate risks, technical and managerial risk and combined risks. These factors could to explain in 7/72 percent of the variation. 27/3 percent of the residual variance was related to other factors that their prediction in this study is not possible. The research findings show that most farmers Feelings job's risk is due the financial and credit risks. These four factors, multi-dimensional nature of risk management practices in agricultural employment shows. That requires systematic and comprehensive approach in managing these risks.

Keywords: Risk; Occupational hazard; Factor analysis; Agriculture; Rural farmers.